مجاهدین چه میخواهند؟؟

الحمد لله رب العلمین والصلاه و السلام علی رسولنا الامین و علی آله و صحبه اجمعین .. وبعد..

الله ﷻ بر همه کسانیکه نسبت به دین و شریعتش عالم هستند لازم گردانیده تا همواره حق را بیان نموده و آنرا کتمان نکنند.

الله ﷻ درین باره می فرماید:

﴿وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ وَلَا تَكۡتُمُونَهُۥ فَنَبَذُوهُ وَرَآءَ ظُهُورِهِمۡ وَٱشۡتَرَوۡاْ بِهِۦ ثَمَنٗا قَلِيلٗاۖ فَبِئۡسَ مَا يَشۡتَرُونَ ١٨٧﴾ [آل عمران: ١٨٧]

ترجمه: و (به یاد بیاور ای پیامبر!) آن گاه را که الله ﷻ پیمان مؤکّد (بر زبان انبیاء) از اهل کتاب گرفت که باید کتاب (خود) را برای مردمان آشکار سازید و توضیح دهید و آن را کتمان و پنهان نسازید. امّا آنان آن را پشت سر افگندند و به بهای اندکی آن را فروختند! چه بد چیزی را خریدند! (آنان باقی را با فانی تبدیل نمودند!).

وبه همین مناسبت الله ﷻ مثال بدبخت ترین امت ها را بیان نموده.

می فرماید: ﴿لُعِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُۥدَ وَعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ ٧٨ كَانُواْ لَا يَتَنَاهَوۡنَ عَن مُّنكَرٖ فَعَلُوهُۚ لَبِئۡسَ مَا كَانُواْ يَفۡعَلُونَ ٧٩﴾ [سوره المائدة]

ترجمه: «کافران بنی‌اسرائیل بر زبان داود و عیسی پسر مریم لعن و نفرین شده‌اند. این بدان خاطر بود که آنان پیوسته سرکشی می‌کردند و (در ظلم و فساد) از حدّ می گذشتند. آنان از اعمال زشتی که انجام می‌دادند دست نمی‌کشیدند و همدیگر را از زشتکاریها منع نمی‌کردند و پند نمی‌دادند. و چه کار بدی می‌کردند!».

همچنان الله ﷻ مسلمانان را به لقب خیرالأمم توصیف نموده است:

﴿كُنتُمۡ خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ تَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَتَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِۗ ١١٠﴾ [سوره آل عمران]

ترجمه: «شما (ای پیروان محمّد) بهترین امّتی هستید که به سود انسانها آفریده شده‌اید (مادام که) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمائید و به الله ﷻ ایمان دارید».

اگر وظیفه خویش را که بیان کردن حق و امر به معروف و نهی از منکر است - و ما به برکت همین رسالت است که لقب خیر الأمم را کسب کرده ایم- ترک کنیم ما نیز از جمله بدبخت ترین و شقی ترین مردمان میشویم زیرا دربین این دو مرتبه منزلت دیگری وجود ندارد.

الله ﷻ می فرماید: ﴿ٱلَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَٰلَٰتِ ٱللَّهِ وَيَخۡشَوۡنَهُۥ وَلَا يَخۡشَوۡنَ أَحَدًا إِلَّا ٱللَّهَۗ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيبٗا ۝٣٩﴾ [سوره الاحزاب]

ترجمه: «(پیامبران پیشین، یعنی آن) کسانی که رسالتهای الله ﷻ را (به مردم) می‌رساندند، و از او می‌ترسیدند و از کسی جز الله ﷻ نمی‌ترسیدند، و همین بس که الله ﷻ حسابگر (زحمات و پاداش دهنده اعمال آنان) باشد».

و رسول الله ﷺ در این مورد فرموده اند:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَلَا لَا يَمْنَعَنَّ أَحَدَكُمْ رَهْبَةُ النَّاسِ أَنْ يَقُولَ بِحَقٍّ إِذَا رَآهُ أَوْ شَهِدَهُ فَإِنَّهُ لَا يُقَرِّبُ مِنْ أَجَلٍ وَلَا يُبَاعِدُ مِنْ رِزْقٍ أَنْ يَقُولَ بِحَقٍّ أَوْ يُذَكِّرَ بِعَظِيمٍ. [رواه احمد رحمه الله]

ترجمه: از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فی فرماید: «متوجه شوید! هیچگاه شما را هیبت و مقام و منزلت مردم از گفتن حق و یا متوجه ساختن به یک موضوع مهم شرعی باز ندارد که خود آنرا با چشمان تان دیده و شاهدش بوده اید، زیرا گفتن حق در همچو مواردی باعث نزدیک شدن اجل و یا دور شدن رزق از شخص حق گوی نمیشود».

همچنین پیامبر ﷺ فرموده اند:

وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ الله صَلَّى الله عَلَيه وسَلَّم قَالَ: لاَ يَحْقِرَنَّ أَحَدُكُمْ نَفْسَهُ قَالُوا: وَكَيْفَ يَحْقِرُ نَفْسَهُ؟ قَالَ: أَنْ يَرَى أَمْرًا لله فِيهِ مَقَالٌ فَلاَ يَقُولُ بِهِ، فَيَلْقَى اللهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَقَدْ أَضَاعَ ذَلِكَ، فَيَقُولُ: مَا مَنَعَكَ؟ فَيَقُولُ: خَشْيَةُ النَّاسِ فَيَقُولُ: فَإِيَّايَ كُنْتَ أَحَقَّ أَنْ تَخْشَى.

ترجمه: از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ می فرماید: «هیچگاهی یکی از شما خودش را تحقیر نکند،» صحابه گفتند ای پیامبر الله چگونه یکی از ما خودش را تحقیر می نماید؟ گفت: «کار (منکری) را می بیند و از جانب الله مسؤولیت و مکلفیت دارد تا چیزی بگوید، (منکر را رد نموده و حق را بیان کند) اما او خاموش نشسته چیزی نمیگوید، سپس در روز قیامت با الله مواجه می شود در حالی که حق را با خاموش ماندن خود ضایع نموده

بود، و الله ﷻ برایش می گوید: چه چیزی تورا بازداشت از چنین و چنان گفتن در دفاع از من؟ او در جواب میگوید: ترس و وحشت از مردم. پس او تعالی میگوید: برای ترسیدن تو من سزاوارتر بودم که باید تنها از من میترسیدی». [این حدیث را ابو داود و طیالسی به سند صحیح روایت نموده اند].

ما میخواهیم تا در همه شئون مسلمانان سخن راست ودرست بگوئیم، میخواهیم تا پای جان، با سخن قاطع و لهجهٔ صریح از اسلام دفاع نمائیم و در آنچه می گوئیم به جز از الله جل جلاله از هیچ کسی دیگری نترسیم، به خاطر اینکه هر آنچه که می گوئیم در حدود همان اذن و اجازهٔ است که برای ما از جانب الله ﷻ داده شده است، بلکه شامل آن وجائب و مسؤلیتهائی میشود که برای ما دستور داده شده تا در روشنائی و هدایت کتاب خالق خویش و سنت رسول او تعالی آنرا بیان نمائیم.

میخواهیم تا با بت پرستی عصری و شرک مدرن که هر دوی شان در کشور ما و اکثر کشور های اسلامی به اساس تقلید از اروپای بت پرست و ملحد شائع شده است، مبارزه نمائیم چنانچه سلف صالح ما، با بت پرستی قدیم و شرک سابق مبارزه و جهاد نمودند.

میخواهیم از قرآن دفاع نمائیم در حالی که مردم عادت کرده اند، تا جلو چشمان ما با کتاب الله بازی کنند. هستند کسانی که آیات قرآن کریم را تأویل میکنند، در حالی که خود به آن ایمان ندارند. میخواهند دلالت صریح الفاظ قرآن را کنار گذاشته و آیات را مخالف قواعد زبان عربی به گونه ای تفسیر نمایند تا موافق تصورات و برداشتهای خودشان که از عقاید بت پرستی و الحادی اروپا آنرا فراگرفته اند، بگردانند و آیات قرآن را به عادات و آداب اروپائی ها - اگر آدابی داشته باشند- نزدیک نمایند تا با این کار شان اسلام را از دیدگاه خود و باداران شان، آنهای که این جنابان در زیر سایه و حمایت شان بزرگ شده و از شیر آنها تغذیه نموده اند، دین عصری جلوه دهند.

میخواهیم آبرو و ناموس مسلمانان را محافظت نموده و با منکرات و بی بندوباری و فحشا و لجام گسیختگی که تنظیم (نسوان) و انصار نسوان ایجاد کرده اند مبارزه کنیم. همان زنهایی که سرپرست مرد ندارند، بجز مردانیکه صرف مشابهت و مشاکلت با مردان دارند و بس.

همین نهضت، زنان بدکاره که در رأس آن تجددگرایان و مردان مخنث و زنانی که در طرز لباس و حرکات شان از مردان تقلید میکنند قرار دارند کسانی که

همهء اخلاق نیکو را نابود کرده و برباد داده و تنها و تنها برای دست یافتن به شهوات بیشتر با همدیگر مسابقه میکنند.

میخواهیم مردان صالح و زنان صالحه را، آن مردانی که در وجودشان غیرت، ناموس داری، شهامت و مردانگی موجود است، و آن زنانی را که حیاء و عفت و احساس پرده داری در وجودشان باقیست، دعوت کنیم به سوی عمل جدی و قاطع در جهت برگشتاندن زن مسلمان به محیط مصؤون اسلامی اش، به حجابی که آنرا الله و رسول او امر فرموده اند، چه به رضا و رغبت شان باشد ویا با اعمال فشار.

میخواهیم تا برخواست خویش مبنی بر برگشت به کتاب الله و سنت رسول او تعالی در همهٔ فیصله ها و قضاوت های ما در سراسر جهان اسلام، که در گذشته نیز همین مطالبه را داشتیم و فعلا نیز، مداومت نمائیم.

و میخواهیم تا طاغوت فرنگ را که در مرکز خانهء مسلمانان در قالب قوانین جای گرفته است نابود کنیم.

الله ﷻ میفرماید: ﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يَزۡعُمُونَ أَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوٓاْ إِلَى ٱلطَّٰغُوتِ وَقَدۡ أُمِرُوٓاْ أَن يَكۡفُرُواْ بِهِۦۖ وَيُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن يُضِلَّهُمۡ ضَلَٰلَۢا بَعِيدٗا ۝٦٠ وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَإِلَى ٱلرَّسُولِ رَأَيۡتَ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُودٗا ۝٦١﴾ [سوره النساء]

ترجمه: «(ای پیامبر) آیا تعجب نمیکنی از کسانی که میگویند که آنان به آنچه برتو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند، ولی در عین وقت میخواهند داوری را پیش طاغوت ببرند (و حکم او را به جای حکم الله بپذیرند؟!) حال آنکه به ایشان فرمان داده شده است که (به الله ﷻ ایمان داشته و) به طاغوت ایمان نداشته باشند. و شیطان میخواهد که ایشان را بسی گمراه کند. و زمانی که به ایشان گفته شود: به سوی چیزی بیائید که الله ﷻ آنرا (برمحمد) نازل کرده است و به سوی پیامبر روی آورید (تا قرآن را برای شما بخواند ورهنمود تان دارد) منافقان را خواهی دید که سخت به تو پشت میکنند».

بعد میفرماید: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ لَا يَجِدُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَرَجٗا مِّمَّا قَضَيۡتَ وَيُسَلِّمُواْ تَسۡلِيمٗا ۝٦٥﴾ [سوره النساء]

ترجمه «اما نه، به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن به شمار نمی آیند تا تو را در اختلافات و درگیریهای خود به داوری نطلبند و سپس خفگانی در دل خود از داوری تو نداشته و کاملاً تسلیم (قضاوت تو) باشند».

میخواهیم در مورد سیاست صحبت کنیم، سیاست عالی شأن برای ملت های مسلمان، سیاستی که همهٔ مسلمانان را امت یک پارچه، واحد و متحد بسازد چنانچه الله ﷻ در کتاب خودش آنها را (أُمَّةٌ واحدة) خوانده است، چنان وحدتی که بر بدعت قوم پرستی و حزب گرائی غلبه حاصل نموده و آنرا محو کند.

میخواهیم برای مسلمین و زعماء و رهبران آنها، جایگاه شانرا در این دنیا در بین دیگر ملتها نشان دهیم، که چگونه همهٔ ملتها در مقابل مسلمانان به اساس ظلم و تجاوز و تعصب، و قبل از همه به اساس عُقده و بدبینی ای که نسبت به اسلام دارند، در یک صف باهم جمع شده و بالای ما هجوم آورده اند.

میخواهیم با نفاق و مجامله گریهای دروغینی بجنگیم که اکثریت نویسندگان عصر حاضر، در نوشته ها و نصیحت های شان پیش گرفته اند، اینها گمان می کنند که این مجامله گریها از نوع تدبر و سیاست نیکو محسوب شده و شامل همان حکمت و موعظهٔ حسنه ئی می شود که الله ﷻ ما را به رعایت آن در راه دعوت به سوی پروردگار دستور فرموده است.

حال آنکه قطعاً چنین نبوده، بلکه از نوع ضعف وذلت و چاپلوسی و حرص برای بهره گیری بیشتر از زندگی دنیا شمرده می شود.

نمی خواهیم با این کار از جمع سفهاء و بی خردان و دشنام زنندگان و متنفر کنندگان باشیم (به الله ﷻ پناه می بریم) چنانچه پیامبر ﷺ در حدیثی که آنرا ترمذی روایت کرده فرموده است:

«لیس المؤمن بالطعان و لا اللعان و لا الفاحش و لا البذی»

«مؤمن هیچگاه طعنه دهنده و لعنت گوینده و فحش زبان و بدگوی نمی باشد».

اما ما میخواهیم تا حق را به صورت واضح و بدون لفافه بگوئیم و هر چیز را به بهترین عبارتی که در توان داریم، به همان اوصاف صحیح خودش توصیف و معرفی کنیم، ما برای خود و برادران خود زشت و بد می بینیم که (مثلاً) کسی را که دشمنی اش را با اسلام آشکارا اعلان نموده و یا شریعت الله

و رسولش را علناً رد می کند، دوست خود خطاب کنیم؛ زیرا الله ﷻ در کتاب خودش ما را از همچو کاری به صورت قطعی نهی فرموده است.

و زشت و کریه میدانیم که خود را ضعیف وذلیل ساخته و ملتی را دوست بخوانیم که با آهن و آتش، مسلمانان را می کوبند، و به ناموس شان تعرض نموده، و اموالشان را غارت میکنند.

آزاد و روشن فکر نامیدن اینچنین مردم واقعاً زشت است، در حالیکه از عملکرد آنها به خوبی معلوم می شود که کسانی هستند، که مردم را به زور اسلحه و آتش بارود به سوی بردگی و تیرگی می کشانند، نه به آزادی و نور!!

اما همچو القاب دروغین را خوانندگان همه روزه از علمای ما -بلی از علماء- و از بزرگان و رهبران و وزیران ما میشنوند!

میخواهیم برای مسلمانان راه سربلندی و عزت را هموار بسازیم، عزتی را که الله ﷻ حق مسلمانان گردانیده است به شرط آنکه مسلمانان خود را مطابق همان وصفی که برای رسیدن به این عزت در قرآن بیان شده است، عیار نمایند و از خود مؤمنین حقیقی بسازند.

اگر ما از این کار عاجز ماندیم و یا از بین رفتیم، با رفتن ما هرگز اسلام از بین نمی رود، بلکه مرد و یا مردانی بهتر از ما به میان خواهند آمد، که این بیرق را بلند نمایند، و برای همیشه آنرا به توفیق پروردگار برافراشته نگهدارند.

و الحمدلله رب العالمین

مترجم: عبدالله پغمانی

ترتیب و دیزاین: دارالصدق

ناشر:

Daar-ul-Sedq